

حرف درشت

مسئله خرید سربازی

پوریا عالمی: من همیشه خیال می‌کردم اولین‌بار که بخواهم از کشور خارج بشوم باید ۱۰کیلو اضافه‌بار بدهم. اضافه‌بار چی؟ خب این موضوع به این برمی‌گردد که شما وقتی می‌توانید به عنوان یک مرد از کشور خارج شوید که سربازی رفته باشید. سربازی‌رفتن خیلی موقع مهم‌تر از این است که خانم‌ها اگر ازدواج نکرده باشند اجازه خروج ندارند. باورتان نمی‌شود که چه روزهایی آرزو می‌کردم کاش آقایان هم جای سربازی‌رفتن با یک ازدواج مشکلمان حل می‌شد. این در حالی بود که خواهرم می‌گفت حاضر است دو سال برود سربازی، اما ازدواج نکند و بتواند برود سفر خارجی. باین اوصاف و به دلیل جهاز هاضمه‌ای که داشتم، من سربازی نرفتم و هرطور هم برای معافیت توی قانون نوشته بود من یا نیم‌کیلو اضافه داشتم یا پنج سانت کم بودم. (مدارد کمبسیون پزشکی‌اش موجود است). حالا قصه آن ۱۰کیلو اضافه‌بار چیست؟ بله، ببینید من وقتی در ۹۰سالگی قرار باشد برای اولین‌بار از کشور خارج بشوم، معلوم است که استرس پرواز طولانی و مواجهه با خارج و کِهولت زیاد، سبب مشکل فنی برای من پیرمرد خواهد شد. آن ۱۰کیلو اضافه‌بار هم دوتا کیسه سُند است که دستم گرقتم تا خودم بیرم داخل هواپیما و البته که معلوم است در آن سن از استرس، دائم‌الاضافه‌بار خواهم بود. باورنم‌خ‌زد و این‌طوری نشد و بنده جای ۹۰سالگی، در ۳۵ سالگی توانستم معافیت بگیرم، این‌طوری که با ترکیب شیمیایی‌ای که آقای احمدی‌نژاد در دولت مهرورزی زد و سیستم اقتصاد مملکت چغندر شد و از اواخر آن دوره و اوایل دولت روحانی تصویب کردند که هر کی رفته سربازی بیاید و پول بدهد و خلاص. از خانواده ما پنج‌نفر رفتند برای معافیت؛ بابام، داداش اولسم، داداش دومم، خودم، داداش چهارسم که هنوز به دنیا نیامده و بابای خانواده پیش‌بینی کرد ب‌ا توجه به وضعیت جهاز هاضمه خاندان عالمی، او هم سربازی‌برو نیست، بنابراین سربازی او را هم از همان لحظه جنینی پیش‌خ‌رد کردند. باورتان نمی‌شود که ما تنها خانواده‌ای هستیم که عکس آقای احمدی‌نژاد را تاتو کردیم چون ما را از دوسال سربازی معاف کرد و البته با این کارش پول خاندان ما را تا ریال آخر کارت‌به‌کارت کرد به بودجه. مسئله جهاز هاضمه کلا همیشه خانواده ما را متضرر کرده. باورتان نمی‌شود که پولی که ما دوسال پیش برای سربازی دادیم به دولت، عملاً نصف بودجه ۹۵ را تأمین کرد و اگر خانواده ما سربازی رفته بود، الان اقتصاد کشور خوابیده بود. فردا در حرف درشت باقی داستان سربازی را تعریف می‌کنم.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۶ • ۲۰ رمضان ۱۴۳۸ • ۲۸ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

ظریف، سفیر جهانی ام اس شد



سامسونگ

Galaxy S8 | S8+

از کران گذر

سرویس اکسپرس

بدون هزینه ی حمل ویژه ی شهرهای تهران، مشهد

اصفهان و تبریز(تا پایان زمستان ۱۳۹۶)

•برای اطلاع از جزئیات این طرح با مرکز خدمات موبایل سامسونگ به شماره ی ۰۲۱۴۲۱۳۲ تماس حاصل فرمایید.

پشتیبانی ویژه ی صفحه نمایش •تمش صفحه نمایش شکسته شده تنها با پرداخت ۱.۷۰۰.۰۰۰ ریال(تا پایان زمستان ۱۳۹۶)

•ویژه ی خرید وفعالسازی تا پایان تیرماه ۱۳۹۶

تجربه دیگران

شب ترس



در تمام مذاهب و ادیان الهی آمده است که حضرت آدم و حوا پس از آنکه از سوی شیطان فریب خوردند، از (میوه) «درخت نعی‌شده» خداوند خوردند و متعاقب آن ضمن «عریان‌شدن، از «بهشتی» که در آن ساکن بودند رانده شده و به دنیای زمینی تبعید شدند. اما اینکه این میوه ممنوعه کدام بوده، مورد اختلاف ادیان و ملل است. در دهکده بسیار زیبای «فرابی» در جزیره‌ای منحصربه‌فرد از مجمع‌الجزایر لوفوتن (Lofoten) در حوالی شهر نورلند واقع در سوئد که بیشتر به رؤیا شباهت دارد تا واقعیت و مرکز توجه بسیاری از توریست‌ها است، مردم باور دارند آن میوه ممنوعه سیب بوده و درخت سیب در نقطه‌ای به نام «شب ترس» در بهشت بوده و چون خوردن سیب به خاطر عشق و علاقه آدم به حوا صورت گرفته، سیب را میوه عشق بهشتی خالی از غل‌وغش می‌دانند. فرابی‌ها سیب را حاوی دانه «شرح» می‌دانند که این دانه زاینده قدرت دوست‌داشتن و وفاداری در زنان است. مردم منطقه «فرابی» که در نوع خود از نظر زیبایی بی‌نظیر است، معتقدند عمل‌خوردن میوه ممنوعه، در چهارم فوریه هزاران سال پیش صورت گرفته است. فرابی‌ها معتقدند اگر عشق نبود، داستان خلقت در همان لحظه‌ای که آدم با درخواست وسوسه‌انگیز حوا سیب را چید، به انتها می‌رسید. باور فرابی‌ها عشق جاودانه بوده و معتقدند شاید شکل عشق تغییر کند؛ اما جوهر یکی است. آنها باور دارند تفاوت بین عاشق و غیرعاشق، همان تفاوت بین چراغ روشن و خاموش است. چراغ آنجاست و به کار می‌آید؛ اما اکنون نور نیز می‌افشانند و همین نورافشانی، کار حقیقی آن است و بنابراین بهترین راه شناخت زندگی، هنر عشق‌ورزی‌ن است. به اعتقاد فرابی‌ها، هزاران سیب روی درخت خودنمایی می‌کردند و بر زمین می‌غلتیدند؛ اما نیوتن چون عاشق و شیفته مکانیک بود، حرکت زمین را از روی سیب کشف کرد؛ پس عشق نیز کشف‌شدنی است نه دل‌باختگی. از آنجا که در منطقه فرابی سیب کاشته نمی‌شود، فرابی‌ها در ستایش سیب به عنوان سمبل عشق، هر‌ساله در ۱۴ سپتامبر و چهارم فوریه میان درختان خیابان‌های شهر سیب‌های قرمز قرار می‌دهند تا رسم ماندگار عشق آدم و حوا را زنده نگه دارند. سال گذشته این مراسم با حضور هزاران توریست که عموماً زوج‌های جوان بودند، در دهکده فرابی صورت گرفت. جالب آنکه فرابی‌ها که افراد خاصی از بازماندگان وایکینگ‌ها هستند، از نظر مذهبی مسیحی نبوده و فرقه خاصی به نام «لیمونی» هستند که به تناسخ در آخرت اعتقاد دارند.

زیرساخت‌های گسترش حمل‌ونقل ریلی چندان آشنا به نظر نرسد. اما واقعیت این است که برای طرح چنین مطالبه‌ای به‌کنه انتخابات اخیر مراجعه می‌کنم. انتخابات بیست‌ونهم اردیبهشت نشان داد که روستاییان سا یکی از فهیم‌ترین و معاصرترین و باشناخت‌ترین روستاییان جهان به شمار می‌روند و اگر از طریقی (مثلا گسترش حمل‌ونقل ریلی) بتوان ارتباط آنها را با شهرهای کشور و حتی کشورهای همسایه فراهم کرد، پیامدهایی مانند افزایش سطح اطلاعات عمومی، گسترش مشارکت و ارتباطات جمعی وو... همراه خواهد داشت. از فرایند ساخت راه‌آهن در گذشته دور هزار کیلومتر خط آهن به جا مانده است؛ این در حالی است که با وجود همه توسعه‌های تکنولوژیکی در سال‌های پس از آن ما هنوز به چنین رقمی نرسیده‌ایم اما حالا و پس از انتخابات اخیر به نظر بنده این توسعه می‌تواند نتنها ابعاد زیرساختی و عمرانی بلکه پیامدهای فرهنگی، فکری و اجتماعی برای کشور و خصوصاً مردمان نواحی محروم به جا بگذارد. توسعه خط ریلی درست مثل انتشار یک روزنامه، ساخت یک فیلم و اجرای یک تئاتر می‌ماند، با تأثیری به‌مراتب بیشتر و گسترده‌تر. اگر دولت بتواند قدمی بردارد که مردم از طریق آن به سیر و سفر و کشف دنیای اطراف خود ترغیب شوند و بدانند که با آرامش، ارزان و امن می‌توانند

از شهری به شهر دیگر و از گوشه‌ای به گوشه دیگر این کشور سفر کنند، قطعاً در ترقی و پیشرفت همه‌جانبه کشور قدمی بزرگ برداشته شده است. شناخت ایران و بعد از آن شناخت جهان می‌تواند انزوای روستاییان ما را به پایان برساند. روستاییانی که در این سال‌ها به دلیل مشکلات اقلیمی در بن‌بست‌های جغرافیایی اسیر بوده‌اند، حالا بعد از گسترش شبکه‌های ارتباطی اینترنتی، این حق را دارند که از بن‌بست فیزیکی نیز خارج شوند. به‌همین دلیل اگر جای آقای روحانی بودم، بودجه‌ای زیاد را صرف این می‌کردم که ریل‌های راه‌آهن در همه مساحت کشورم کشیده شود و قطعاً، اندکی بعد شاهد نتایج خارق‌العاده آن نیز می‌بودم. برای نمونه بد نیست که کشور ایتالیا را در نظر بگیریم، کشوری با بیشترین خطوط ریلی در اتحادیه اروپا که شمال این کشور را به جونیش متصل می‌کند و این امکان را در اختیار شهروندان کشور قرار می‌دهد که با کشورهای اتحادیه اروپا در ارتباط باشند. از چنین راهیبه‌ای، تأثیر این خطوط ریلی به مراتب بیشتر از رسانه‌ها خواهد بود، چراکه «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی». در آن صورت است که یک مخاطب جدی تئاتر در شهرستان می‌تواند صبح سوار قطار شود و برای بازدید تاتری به مرکز استان یا تهران بیاید و شب به خانه‌اش بازگردد. این جادو را دست‌کم نگیرید آقای روحانی!

گزارش فردا

۳ سناریو برای کاخ ثابت پاسال

دستور صدور نقشه (یعنی آخرین روز کاری سال ۹۵) آن را نشان‌های از آخرین تلاش‌های مشترک شهرداری و رئیس شورای شهر برای نابودی تاریخ تهران ارزایی می‌کنند. سناریوی دوم درست پس از اظهارات چمران مطرح شد. فرهاد نظری، مدیرکل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی در واکنش به اظهارات چمران می‌گوید که برای ثبت این بنا وارد عمل خواهد شد و اجازه نمی‌دهد این بنا هرچه هست، تخریب شود: «از شنبه تلاش برای ثبت این اثر در فهرست آثار ملی آغاز شده و امیدواریم مانند ثبت موزه دفینه، بتوانیم این بنا را در چند روز به ثبت برسانیم؛ اما ثبت این بنا با دو تناقض همراه خواهد بود، اول اینکه اگر واجد ارزش‌های ثبتی بوده، چرا تا پیش از این به وسیله میراث تهران به ثبت نرسیده است. باین‌همه اگر این بنا به ثبت رسید، میراث فرهنگی برای آن چه برنامه‌ای دارد؟ خبرنگار «شرق» تا اینجا‌ی کار کسب اطلاع کرده که در صورت ثبت این کاخ، قرار است آن را بدون تخریب، به هتلی برای گردشگران بدل کنند و این کاربری تازه می‌تواند سرانجام متفاوت و مقبولی برای کاخ ثابت پاسال رقم بزند.

سناریوی سوم کمی نگران‌کننده است. یکی از معمارانی که از چند سال پیش در گیرودار ماجرای ثابت پاسال است، به «شرق» می‌گوید: «طبق آخرین بررسی‌ها روی پرونده زمین ثابت پاسال، متأسفانه دستور نقشه برای عملیات تخریب و نوسازی در تاریخ ۹۵/۱۲/۲۸ با مهلت زمان شش‌ماهه صادر شده،

مالکیت این بنا هم از شرکت صبا میهن تغییر کرده و درحال‌حاضر مالکیت زمین براساس دستور نقشه، متعلق به شرکت پیشگامان توسعه تجارت البرز است». او که نخواست نامش در این گزارش ذکر شود، می‌گوید که برای نقشه جدید، تراکم ۴۴۰ درصدی با ۱۴ طبقه روی زمین اعلام شده؛ اما با وجود آنکه برای چنین پروژه‌ای نیاز به مصوبه کمیسیون ماده پنج هست، در پرونده ملک مد نظر هیچ مصوبه‌ای از این کمیسیون وجود ندارد. او از تناقضی دیگر در این نامه هم می‌گوید: «در انتهای این نامه آمده: با توجه به نامه شماره ۹۵۲/۱۴۶/۱۳۱۱۵ مورخ ۹۵/۱۲/۳ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری درباره ارزش معمار‌ی و تاریخی بنا، حفظ ملک الزامی و صدور هرگونه جواز تخریب و نوسازی ممنوع اعلام شد. این در حالی ست که عنوان درخواست دستور نقشه صادرشده «تخریب و نوسازی» است». اگر براساس این بخواهیم سومین سناریوی ثابت پاسال را در نظر بگیریم، باید گفت که بانک آینده قرار است این بنا را تخریب و به جای آن برجی با ۱۴ طبقه روی زمین بسازد.



از سوی دیگر رسید. انتشار چنین خبری، طبعاً باید پیش از همه سازمان میراث فرهنگی را خشنود می‌کرد؛ اما مدیرکل میراث فرهنگی استان تهران همان ابتدای امر از زیر بار ثبت این اثر کنار رفت تا راه برای تبصره‌های تخریبی شهرداری باز شود. در ابتدا قرار بود این خانه به برجی ۹ طبقه با تراکم ساختمانی ۴۴۰ درصد و حداقل ضریب سکونت ۵۰ درصد بدل شود؛ اما پیروز حناچی، معاون وزیر راه و شهرسازی با حمایت قاطع معماران نگذاشت این سرانجام شوم نصیب این عمارت باشکوه شود و در نهایت رازینی‌ها، مانع از هرگونه تخریب در این بنا شد و حالا...

سه سناریو برای ثابت پاسال مطرح است. سناریوی اول را مهدی چمران، دو روز پیش اعلام کرد. طبق گفته او قرار است این کاخ تخریب و به بنایی با کاربری فرهنگی بدل شود و بعد حرفش را این‌طور کامل کرده که قرار است به جای کاخ ورسای تهران، مسجدی در خیابان ناهید جردن ساخته شود. نظر چمران در همین یکی، دو روز با واکنش‌های منفی مواجه شده است. برخی اظهارات او را نشان‌های از شکست مسلم در انتخابات ششورا می‌دانند و برخی با اشاره به تاریخ

مطالبات

آقای روحانی، جادوی خطوط ریلی را دست‌کم نگیرید



بهروز غریب‌پور

یقیناً جمعیت میلیونی رأی‌دهنده به آقای روحانی، مطالبات مختلف و فراوانی از دولت دوازدهم دارند که برخی هم‌پوشانی‌هایی با هم دارد. به‌عنوان مثال، بعید نیست که بیشتر اهالی فرهنگ و هنر بخواهند التفات دولت به این حوزه بیشتر از قبل شده و در بخش‌های مختلف، یاری‌رسان هنرمندان برای ارتباط گسترده‌تر با مردم باشد. اما آنچه من به‌عنوان مطالبه خود از دولت جدید مطرح می‌کنم در ظاهر هیچ ربطی به گسترش فضاهای فرهنگی کشور و حوزه تخصصی من که تئاتر است ندارد، بلکه شاید بتوان گفت یکی از نتایج عملی‌شدن این مطالبه می‌تواند به رشد و ترقی تئاتر هم کمک کند.

از دولت انتظار دارم که به گسترش و توسعه حمل‌ونقل ریلی در تمام کشور توجه ویژه کند. شاید این مطالبه اندکی عجیب به نظر برسد، خصوصاً آنجا که یک هنرمند حوزه تئاتر آن را به‌عنوان دغدغه اصلی خود مطرح می‌کند؛ درحالی‌که شاید با فن و دانش



در تمام مذاهب و ادیان الهی آمده است که حضرت آدم و حوا پس از آنکه از سوی شیطان فریب خوردند، از (میوه) «درخت نعی‌شده» خداوند خوردند و متعاقب آن ضمن «عریان‌شدن، از «بهشتی» که در آن ساکن بودند رانده شده و به دنیای زمینی تبعید شدند. اما اینکه این میوه ممنوعه کدام بوده، مورد اختلاف ادیان و ملل است. در دهکده بسیار زیبای «فرابی» در جزیره‌ای منحصربه‌فرد از مجمع‌الجزایر لوفوتن (Lofoten) در حوالی شهر نورلند واقع در سوئد که بیشتر به رؤیا شباهت دارد تا واقعیت و مرکز توجه بسیاری از توریست‌ها است، مردم باور دارند آن میوه ممنوعه سیب بوده و درخت سیب در نقطه‌ای به نام «شب ترس» در بهشت بوده و چون خوردن سیب به خاطر عشق و علاقه آدم به حوا صورت گرفته، سیب را میوه عشق بهشتی خالی از غل‌وغش می‌دانند. فرابی‌ها سیب را حاوی دانه «شرح» می‌دانند که این دانه زاینده قدرت دوست‌داشتن و وفاداری در زنان است. مردم منطقه «فرابی» که در نوع خود از نظر زیبایی بی‌نظیر است، معتقدند عمل‌خوردن میوه ممنوعه، در چهارم فوریه هزاران سال پیش صورت گرفته است. فرابی‌ها معتقدند اگر عشق نبود، داستان خلقت در همان لحظه‌ای که آدم با درخواست وسوسه‌انگیز حوا سیب را چید، به انتها می‌رسید. باور فرابی‌ها عشق جاودانه بوده و معتقدند شاید شکل عشق تغییر کند؛ اما جوهر یکی است. آنها باور دارند تفاوت بین عاشق و غیرعاشق، همان تفاوت بین چراغ روشن و خاموش است. چراغ آنجاست و به کار می‌آید؛ اما اکنون نور نیز می‌افشانند و همین نورافشانی، کار حقیقی آن است و بنابراین بهترین راه شناخت زندگی، هنر عشق‌ورزی‌ن است. به اعتقاد فرابی‌ها، هزاران سیب روی درخت خودنمایی می‌کردند و بر زمین می‌غلتیدند؛ اما نیوتن چون عاشق و شیفته مکانیک بود، حرکت زمین را از روی سیب کشف کرد؛ پس عشق نیز کشف‌شدنی است نه دل‌باختگی. از آنجا که در منطقه فرابی سیب کاشته نمی‌شود، فرابی‌ها در ستایش سیب به عنوان سمبل عشق، هر‌ساله در ۱۴ سپتامبر و چهارم فوریه میان درختان خیابان‌های شهر سیب‌های قرمز قرار می‌دهند تا رسم ماندگار عشق آدم و حوا را زنده نگه دارند. سال گذشته این مراسم با حضور هزاران توریست که عموماً زوج‌های جوان بودند، در دهکده فرابی صورت گرفت. جالب آنکه فرابی‌ها که افراد خاصی از بازماندگان وایکینگ‌ها هستند، از نظر مذهبی مسیحی نبوده و فرقه خاصی به نام «لیمونی» هستند که به تناسخ در آخرت اعتقاد دارند.

موتورکراس زنان

از محدودیت‌های زنان و دختران کشور بارها گفته شده است. اینکه به خاطر تفاوت جنسیت دچار تبعیض می‌شوند، اتفاقی است که در سراسر جهان رخ می‌دهد. آلمان برای حضور زنان در رده‌های بالای مدیریتی، قانون ۳۰ درصد را تعیین می‌کند و در هالیوود زنانی مانند مریل استریپ و اما استون از دو نسل متفاوت برای دستمزد برابر تلاش می‌کنند. در ایران نیز اتفاق‌های زیادی براساس تفاوت‌ها و محدودیت‌ها رخ می‌دهد؛ اما اتفاقات خوبی هم در حال انجام است.



شماره جدید ماهنامه فیلم

یکی از بخش‌های خواندنی این شماره ماهنامه فیلم یادداشت استاد بهرام بیضایی درباره خانم آذر شیوا، ستاره محبوب قبل از انقلاب است که چند روزی در اعتراض به ابتذال فیلم‌فارسی، جلوی دانشگاه تهران آدامس‌فروشی می‌کرد. مرور کارنامه گروه هنر و تجربه، بررسی انتخابات در سینماپاستور۹۶ و گفت‌وگو با طناز طباطبایی از دیگر مطالب خواندنی این ماهنامه تخصصی است. می‌توانید از کافه بازار «آپ» این مجله را دانلود کنید.